فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و چهارم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۷۳-۱۵۹ Vol 2. No 24. 2018, p 159-173
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نقش شرکت‌های مادر تخصصی در حقوق تجارت بین الملل

حامد احمدزاده
دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
hamed.ahmadzade64@gmail.com

چکیده
شرکت‌های فراملی پدیده جدید دنیای تجارت هستند. این شرکت‌ها از جایگاه مهمی در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل برخوردار شده و موفق به درهم ریختن تشکیلات سنتی و قدیمی حقوقی به ارث رسیده از حقوق بین‌الملل کلاسیک شده‌اند. رایج ترین الگوی ساختاری برای تشکیلات فراملی الگوی هرمی است که در آن یک شرکت مادر در راس هرم قرار می‌گیرد و شرکت‌های زیرمجموعه تحت مالکیت و کنترل شرکت مادر تشکیل می‌شوند. این مسئله که شرکت‌های مادر را مانند دولت‌ها دارای شخصیت حقوقی دانسته و آن‌ها را جزء تابعان نوین حقوق بین‌الملل به شمار آوریم، اثر بسیار مهمی در تبیین قدرت قانون‌گذاری آن‌ها دارد. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی تدوین شد و در آن نشان داده شد که شخصیت حقوقی بین المللی شرکت‌های مادر تخصصی محدود و دارای جنبه اشتقاقی و فرعی است و از سوی دولت‌ها اعطا می‌گردد. اگرچه این شرکت‌ها در حوزه خصوصی فعال هستند و تابع فعال حقوق بین الملل به حساب نمی آیند ولی می توان آن ها تابع منفعل حقوق بین الملل دانست. در واقع این شرکت‌ها دارای برخی حقوق و تعهدات بین المللی هستند ولی خصیصه حاکمیت و حقوق و تکالیف کشورها یا سازمان‌های بین المللی را ندارند. این شرکت‌ها در قبال خسارت وارده به اشخاص ثالث حسب امر، مسئولیت مدنی و کیفری دارند.

واژه‌های کلیدی: شرکت فراملی، شرکت مادر، شرکت تابعه، حقوق بین الملل، شخصیت حقوقی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

شرکت مادر تخصصی یا هلدینگ، شرکتی است که با دارا بودن چند شرکت تابعه و اعمال نفوذ و کنترل بر آنها، شرکت‌های تحت پوشش را در مسیر ارزش آفرینی و هم افزایی هدایت و رهبری می‌کند. نحوهٔ ادارهٔ شرکت‌های مادر که عملاً گروهی از شرکت‌ها هستند؛ با یک شرکت معمولی یکسان نیست و برنامه ریزی و کنترل استراتژیک در شرکت‌های مادر که تصمیم گیری‌ها، نظارت و کنترل سلسله مراتب و اختیارات را تحت تأثیر قرار می‌دهند، با شرکت‌های معمولی تفاوت دارد. علاوه بر این، شرکت‌های مادر دارای گسترهٔ متنوعی از ذینفعان هستند و هزینهٔ ریسک ناشی از تصمیمات اشتباه آنها بالا و باعث شکل گیری بحران در سطح وسیعتری نسبت به شرکت‌های تک کسب و کار است (سبحان اللهی و همکاران، ۱۳۹۱). آنچه از این شرکت‌ها مشهود است این می باشد که شرکت مادر با مشتری ارتباط ندارند بلکه واسطه ای می باشند بین شرکت های فعال و سهامداران. بنابراین یکی از وظایف شرکت مادر این است که از هر کسب و کاری که در آن فعالیت می کند ارزش بیشتری را در مقایسه با دیگر رقبایی که به تنهایی فعالیت می‌کنند، به دست آورد. این کار عموماً با ایجاد مزیت‌های رقابتی در آن کسب و کار حاصل می‌شود، لذا شرکت مادر برای دستیابی به این نتیجه باید با آگاهی از مشخصات خود و کسب و کار مورد نظر، ارتباط درستی بین خود و شرکت‌ها تعریف نموده باشد تا بتواند در آن کسب و کار با ایجاد وجه تمایز، مزیت استراتژیک و در نهایت ارزش آفرینی کند (رحمان سرشت و فتح الهی، ۱۳۹۰).

این شرکت‌ها اغلب با اهداف متفاوتی از جمله محدود ساختن مسئولیت در قبال اعمال و اقدامات شرکت‌های وابسته به خود، استفاده از نیروی کار ارزان قیمت و بهره مندی از معافیت های مالیاتی مبادرت به تشکیل گروه شرکت‌ها می نمایند. شرکت‌های مادر تخصصی که عمدتا در کشورهای توسعه یافته مستقر هستند، دارای شرکت‌های تابعه در کشورهای مختلف دنیا به ویژه کشورهای درحال توسعه می‌باشند. شاید علت آن باشد که در این قبیل کشورها، نقض قواعد و مقررات با ضمانت اجرای شدیدی روبرو نیست. زیان دیدگان این اقدامات که «طلبکاران ناخواسته» نامیده می‌شوند، بیشتر کارگران شرکت‌های وابسته و از جمعیت محلی و بومی کشور میزبان هستند. به دلیل احتمال سوء استفاده از این وضعیت، ضرورت دارد کشورها به مسئولیت شرکت‌های مادر تخصصی در قبال اقدامات شرکت‌های وابسته توجه خاصی مبذول دارند. ازآنجا که شرکت‌های مادر از ایجاد شرکت‌های وابسته سود می‌برند، لذا باید در قبال اقدامات زیانبار آنها مسئول باشند.

جهانی شدن و حضور چشمگیر شرکت‌های چند ملیتی، ضرورت نیاز فوری به پذیرش مسئولیت از سوی این شرکت‌ها را توجیه می‌کند. اگرچه سازمان ها و نهادهای ملی و بین المللی زیادی ازجمله اتحادیهٔ اروپا، شورای اروپا، سازمان بین المللی کار و سازمان ملل متحد تلاش کرده اند تا مسئولیت شرکت‌ها را در سطح وسیعی شناسایی و در عین حال اسناد زیادی را تصویب کنند، اما چون این اسناد برای کشورها و شرکت‌ها الزام آور نیست، نتوانست آنگونه که باید این مسئله را به نحو مؤثر حل نماید. هنوز هیچ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کشوری صلاحیت خود را نسبت به مسئولیت گروه شرکت‌ها نپذیرفته و قانون ماهوی در جهت حمایت از قربانیان اعمال زیان بار آنها وضع نکرده است. لذا عاملی جدی در جهت جلوگیری از سوءاستفاده شرکت‌های مادر تخصصی از محدود بودن مسئولیت شان وجود ندارد. اساسا محدودیت مسئولیت برای حمایت از اشخاص حقیقی عضو شرکت‌ها ایجاد شده است و در گروه شرکت‌ها که تنها اشخاص حقوقی، یعنی شرکت‌ها وجود دارند و نه اشخاص حقیقی، محدودیت مسئولیت توجیهی ندارد. اهمیت این موضوع منجر به تدوین این مقاله شده است. نقش و جایگاه شرکت‌های مادر در حقوق تجارت بین الملل کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است و این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، ادبیات حقوقی خاصی در این زمینه وجود ندارد. بر این اساس بررسی مسئولیت حقوقی شرکت‌های مادر تخصصی در قبال شرکت‌های تابعه و اینکه این مسئولیت ها تحت چه شرایطی محقق می شود، مدنظر این مقاله است.

۱. مفاهیم

قبل از پرداختن به بحث اصلی بهتر است تا مفهوم شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های تابعه تبیین گردد.

الف) شرکت مادر تخصصی

از شرکت مادر که به شرکت هلدینگ یا شرکت دارنده، شرکت کنترل کننده، شرکت مالک، شرکت صاحب سهم و شرکت اصلی نیز یاد می‌شود، تعاریف متعددی ارائه شده است. شرکت مادر، سازمان بزرگ مالی است که با قبضه کردن سهام شرکت‌ها و سازمان های دیگر به صورت مرضی الطرفین یا به جبر تشکیل می شود و از نظر حقوقی تمامی اختیارات شرکت‌های عضو را برعهده می‌گیرد (میرزاخانی، ۱۳۹۴).

شرکت مادر، شرکتی است که از طریق داشتن مالکیت سهام، فعالیت های شرکت‌های دیگر را کنترل می کند. در تعریف دیگر، شرکت کنترل کننده که فعالیت اصلی آن خرید سهام قابل کنترل (بیش از ۵۰٪ سهام) یک یا چند شرکت دیگر می باشد، شرکت مادر اطلاق گردیده است (رضایی، ۱۳۹۶). از تعاریف مختلف این نکته به دست می‌آید که شرکت مادر شرکتی است که حداقل یک شرکت دیگر را تحت کنترل و مدیریت خود داشته باشد. بدیهی است کنترل یک شرکت می‌تواند از راه های مختلفی صورت گیرد. مهم ترین مؤلفه ای که می تواند سبب کنترل یک شرکت از سوی شرکتی دیگر شود، تملک سهام شرکت تابعه است. اما صرف تملک سهام باعث کنترل شرکت دیگر نمی شود، بلکه میزان تصاحب سهام باید به گونه ای باشد که شرکت مالک بتواند با انتخاب مقامات تصمیم گیرنده در شرکت تابعه از جمله هیئت مدیره، در تصمیم گیری های شرکت و ازجمله ادارهٔ آن نقشی مؤثر ایفا نماید. به همین دلیل برخی میزان تصاحب سهام شرکت تابعه را حداقل ۵۰ درصد اعلام کرده اند. اینجاست که تفاوت میان شرکت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مادر با شرکت سرمایه گذار مشخص می شود. اگر شرکت، سهام سایر شرکت‌ها را به منظوری غیر از کنترل آنها خریداری کند، آن شرکت کنترل کننده نیست، بلکه سرمایه گذار است.

بند ۲۲ مادهٔ ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ ش، شرکت مادر یا هلدینگ را «شرکتی که با سرمایه گذاری در شرکت سرمایه پذیر جهت کسب انتفاد، انتخاب اعضای هیئت مدیره مؤثر باشد» تعریف کرده است. بنابراین از منظر قانون بازار، ملاک تشخیص شرکت مادر و تابعه، تملک آن میزان سهامی است که می‌تواند هیئت مدیره را انتخاب کند یا در انتخاب آن مؤثر باشد. نمونهٔ شرکت مادر در ایران، شرکت‌های خودروسازی می باشند.

در اساسنامه نمونه شرکت‌های مادر تخصصی (سهامی عام) که در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۹ به تصویب هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده، از دو معیار «نفوذ غیرقابل ملاحظه» و «کنترل» برای بیان رابطه وابستگی استفاده شده است. به موجب بند ۳ ماده ۱، نفوذ قابل ملاحظه یعنی توانایی مشارکت در تصمیم گیری های مربوط به سیاست های مالی و عملیاتی واحد تجاری، ولی نه در حد کنترل سیاست های یاد شده. نفوذ قابل ملاحظه معمولاً از طریق انتخاب حداقل یک عضو هیئت مدیره (یا سایر ارکان اداره کنندهٔ مشابه) صورت می گیرد، اما ممکن است از روابط یا قراردادهای دیگر ناشی شود که به واحد سرمایه گذار اجازهٔ مشارکت مؤثر در سیاست گذاری را می دهد. در بند ۴ نیز کنترل، توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک شخص حقوقی به منظور کسب منافع از فعالیت های آن، تعریف شده است. در همین بند مشخص شده است که معیارهای توانایی کنترل بر اساس استانداردهای حسابداری ملی تعیین می‌شود.

پیش نویس اولیه بخش سوم «راهنمای قانونگذاری آنسیترال راجع به حقوق بازنشستگی» که نسخه نهایی آن در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید، هرچند شرکت مادر و شرکت فرعی را تعریف کرده بود، اما در اصلاحات بعدی این تعاریف «شرکتی است که به طور مستقی یا این شرکت‌ها عموما مالک یا سهامدار شرکت‌های دیگر هستند و خود به تولید و ارائهٔ خدمات نمی پردازند». شرکت فرعی نیز «شرکتی است که تحت مالکیت و کنترل شرکت دیگری قرار دارد. این شرکت‌ها شخصیت حقوقی مستقل دارند و تحت نظام حقوقی کشور محل فعالیت خود تشکیل می‌شوند». در این تعاریف، آنسیترال از معیار کاربردی «کنترل» استفاده نمود و برداشت خود از مفهوم کنترل را به معیارهای قانونی از قبیل مالکیت درصد خاصی از سهام مقید نکرد. لذا کنترل بالفعل شرکت مادر بر شرکت فرعی ضروری نبوده، صرف توانایی بالقوه در کنترل شرکت فرعی نیز جزء عوامل ارتباطی محسوس می شود. البته عامل هماهنگی، از دیگر عوامل ارتباطی بین شرکت مادر و شرکت فرعی است که آنسیترال به آن اشاره نکرده است (کاویانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ب) شرکت تابعه

شرکت تابعه به شرکت‌هایی اطلاق می شود که شرکت مادر آنها را تحت کنترل خود دارد. از شرکت تابعه ممکن است با دو مفهوم یاد شود؛ یکی شرکت فرعی و دیگری شرکت وابسته. در تعریف شرکت فرعی چنین آمده است: «شرکتی است که درصد سرمایه گذاری شرکت اصلی در آن بیش از ۵۰ درصد بوده و یا کنترل آن در اختیار شرکت اصلی است». در مقابل، «شرکت وابسته به شرکتی اطلاق می‌شود که مدیریت آن از سوی شرکت مادر تعیین و کنترل می شود ولی سرمایه گذاری شرکت مادر در آن کمتر از ۵۰ درصد سهام می باشد». به تعبیر دیگر، یک واحد تجاری سرمایه پذیر، زمانی شرکت وابسته شمرده می‌شود که ضمن فرعی نبودن، دارای شرایطی به شرح زیر باشد:

۱- حق رأی سرمایه گذار در واحد یاد شده قابل ملاحظه باشد (حداقل ۲۰ درصد)

۲- سرمایه گذار نفوذ قابل ملاحظه ای در سیاست های مالی و عملیاتی شرکت سرمایه پذیر داشته باشد.

۳- سرمایه گذار به حفظ منابع خود به صورت یک سرمایه گذار در بلندمدت تمایل نشان دهد.

با توجه به فقدان الزامات قانونی در خصوص چگونگی فعالیت گروه شرکت‌ها و همچنین نبود تعاریف جامع از شرکت‌های مادر، تابع، فرعی و وابسته در قانون تجارت ایران، اغلب کنترل شرکت‌ها از سوی شرکت دیگر از طریق تحصیل بیش از ۵۰ درصد سهام آنها صورت می‌گیرد و شرکتی که بیش از ۵۰ درصد سهام آن در اختیار شرکت دیگر باشد، شرکت تابعه تلقی می شود.

در لایحه جدید قانون تجارت مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در ماده ۲۲۶، شرکت فرعی، مادر و وابسته اینگونه تعریف شده اند: «شرکت تجاری که بیش از ۵۰ درصد سرمایهٔ آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد، همچنین شرکت تجارتی که به طرق پیش بینی شده در اساسنامه و یا به هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد شرکت تابع یا فرعی نامیده می شود، اگرچه کمتر از ۵۰ درصد سرمایهٔ آن به شرکت کنترل کننده تعلق داشته باشد .به شرکتی که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می‌شود. شرکتی که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت و یا سهامداری عمده تحت نفوذ قابل ملاحظهٔ شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته نامیده می شود».

در حقوق بین الملل و به ویژه در نظام حقوقی فرانسه، بخش سوم قانون تجارت فرانسه مصوب ۲۰۰۶ با عنوان «شرکت‌های تابعه، سهام و شرکت‌های تحت کنترل» به تعریف و بیان روابط شرکت مادر و تابعه پرداخته است. به موجب ماده **L233-1** این قانون: «در مواردی که شرکتی بیش از نیمی از سرمایه دیگر شرکت را مالک باشد .. . شرکت مادر آن شرکت شناخته می شود». بنابراین از منظر این قانون، دارا بودن بیش از نیمی از سرمایهٔ شرکت دیگر موجب می گردد تا شرکت دوم، شرکت وابسته به شرکت مادر قلمداد شود. این ماده بیان می دارد: «چنانچه شرکتی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد سرمایهٔ شرکت دیگر را مالک باشد، شرکت هلدینگ شناخته می‌شود».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ماده **L233-1** به بیان مؤلفه های کنترل یک شرکت از سوی شرکت دیگر پرداخته است. به موجب این ماده: «. . . شرکت تحت نظارت و کنترل شرکت دیگر است چنانچه: ۱- شرکت به طور مستقیم یا غیرمستقیم اکثریت سهام شرکت دیگر را مالک باشد، به گونه ای که به آن حق اکثریت رأی دادن در مجامع عمومی را بدهد؛ ۲- زمانی که شرکت به تنهایی اکثریت سهام دارای حق رأی در آن شرکت را به موجب موافقتنامه‌ای که با شرکت‌های مادر و یا سهام داران آن شرکت منعقد کرده است، دارا باشد، مشروط بر آنکه این امر مخالف منافع شرکت نباشد؛ ۳- زمانی که شرکت به نحو مؤثری و بر اساس میزان سهامی که داراست، مبادرت به اتخا تصمیم در مجامع عمومی می‌نماید؛ ۴- زمانی که آن شرکت، شرکت مادر یا سهامدار آن شرکت باشد، اختیار انتصاب و یا عزل اکثریت اعضای اداری شرکت، مدیران و یا ساختار نظارتی (بازرس) را دارد». ملاحظه می‌شود که نظام حقوقی فرانسه برای تشخیص رابطهٔ شرکت مادر و وابسته به دو معیار توجه کرده است؛ یکی دارا بودن اکثریت مطلق سهام دارای حق رأی و دیگری دارا بودن آن میزان سهامی که بتواند در مجامع عمومی تصمیم گیری نموده، یا کارکنان، هیئت مدیره و بازرس شرکت را انتصاب یا برکنار کند. آنچه تشخیص شرکت‌های مادر و تابعهٔ آن‌ها را در فرانسه با سهولت بیشتری همراه ساخته، الزامی است که این قانون در خصوص انتشار گزارش های مالی پیش بینی نموده است (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

۲. شرکت‌های فراملی و حقوق بین الملل

شرکت‌های چند ملیتی (فراملی) مدرن ریشه در تاجران هند غربی و شرقی دارد. این نهادها ندرتاً چند ملیتی و ابزار استعمار بوده اند بهبود حمل و نقل دریایی و برّی و پیدایش اندیشه ی تجارت به پیدایش نمونه های اولیه شرکت‌های چند ملیتی انجامید. در ورای توجه روز افزون به شرکت‌های فراملی سه دلیل عمده وجود دارد:

اول قاعده ای کهن که از سیاست نشأت می‌گیرد. تجمیع موفقیت آمیز توسط گونه ای از بازیگران اجتماعی به تلاش از جانب دیگرانی میانجامد که دارای منافع و اهداف گوناگون هستند تا قدرت معارض را سامان دهند.

دوم، پاره ای شرکت‌ها خود و حتی صنایعی را که به آن اشتغال دارند را در معرض آسیب‌های جدی به حقوق بشر، استانداردهای کار، محیط زیست و سایر موضوعات اجتماعی قرار داده‌اند. سوم؛ چنین شرکت‌هایی از ثروت و توانمندی هایی جهانی برخوردارند که به آنها ظرفیت و توانی غیر قابل مقایسه با دولت‌ها و سازمانهای بین المللی بخشیده است (سویزی و همکاران، ۱۳۸۰). این نهادها را می‌توان با دو خصیصه متعارض توصیف کرد: تکثر نهادی و وحدت کاربردی.

شرکت‌های چند میلتی از حالت کثرت به طور مضاعف برخوردار است از تعداد زیادی شرکت تشکیل شده که هر یک تابعیت، شخصیت حقوقی مستقل دارند. بدین معنا که هر بخش از شرکت از نظام حقوقی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

خاصی تبعیت می‌کند. در سطح بین الملل حقوق سرمایه‌گذاری خارجی را می توان بعنوان طرح شکست خورده نظام حقوقی حاکم بر شرکت‌های فراملی ارزیابی کرد و اگر نظام حقوقی حاکم بر سرمایه گذاری خارجی را جزئی از حقوق بین الملل عمومی بدانیم در این صورت با یک نظم حمایتی بدون تکلیف روبرو هستیم. ویژگی تکثر نهادی شرکت‌های فراملی موجب می شود که از مجموعه ای از اصول، هنجارها، قواعد و فرایند برخوردار باشد. وجود قاعده یا قواعدی در حقوق داخلی قطعی است اما اثر بخشی آن در سطح بین الملل مورد نظر است. خصیصه دیگر شرکت‌های فراملی وحدت کاربردی است به مفهوم کنترل یک شرکت مادر بر شرکت‌های فرعی. کنترل شرکت‌های فراملی در چند مرحله صورت می گیرد:

الف) کنترل شرکت مادر بر شرکت‌های تابعه

ب) کنترل دولت شرکت مادر بر فعالیتهای فراملی

ج) کنترل دولت میزبان بر فعالیتهای فراملی

د) کنترل سهامداران بر فراملی

هـ) کنترل دولت متبوع سهامدار بر فراملی

عناصر توصیف شرکت فراملی عناصر تبیین نظام حقوقی حاکم بر آن را نیز ترسیم می‌کند. از رویکرد حقوقی مهمترین چالش در مورد شرکت‌های فراملی تعریف آنها به عنوان تابعان حقوق بین الملل است. حقوق بین الملل با تورم تابعان و موضوع مواجهه است (**Demeyere, 2015**).

دخالت بازیگران جدید نظیر شرکت‌های فراملی می‌تواند موضوعات جدید حقوقی چالش برانگیز باشد. از نظر حقوق بین المللی در مفهوم کلاسیک آن نمیتوان شرکت‌های فراملی را از تابعان حقوق بین الملل به شمار آورد. ساختار شرکت‌های فراملی مانع از آن است که یک کشور بتواند در مورد آنها وضع قاعده نماید. تنها به این دلیل بخشی از این مجموعه عمدتاً گسترده را در ید حاکمیت خود دارد (لطفی، ۱۳۹۰).

گفته می‌شود که شرکت‌های فراملی هدف یا غایت حقوق بین الملل است و این امر ممکن است در نهایت به تغییر تعریف حقوق بین الملل بینجامد. حقوقی که برای تنظیم روابط حاکمان پدید آمد. ممکن است مفهوم سیاست مبتنی بر قدرت با قدرت مبتنی بر اقتصاد در هم آمیزد. بازیگرانی که قدرت اقتصادی آنها غیر سیاسی است.

یک تشکیلات فراملی ممکن است از الگوهای ساختاری متفاوتی برخوردار باشد اما رایج ترین الگوی ساختاری برای تشکیلات چند ملیتی الگوی «هرمی» است که در آن یک شرکت مادر در راس هرم قرار می‌گیرد و شرکت‌های زیر مجموعه تحت مالکیت و کنترل شرکت مادر تشکیل می‌شوند و هریک از شرکت‌های زیر مجموعه نیز ممکن است به نوبه خود یک یا چند شرکت دیگر را کنترل کنند و به این ترتیب یک ساختار هرمی شکل می‌گیرد. در اکثر موارد یک شرکت مادر در یک کشور پیشرفته سرمایه‌دار است و بسیاری از شرکت‌ها زیرمجموعه در کشورهای در حال توسعه و سرمایه پذیر تشکیل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شده اند (صالحی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲). در ادامه به بحث در رابطه با شخصیت حقوقی شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های تابعه و مسئولیت حقوقی آن ها پرداخته می‌شود.

۳. رابطه شرکت مادر تخصصی با شرکت تابعه از منظر شخصیت حقوقی

شخصیت حقوقی بین المللی شرکت‌های مادر تخصصی محدود و دارای جنبه اشتقاقی و فرعی است و از سوی دولتها اعطا می گردد. اگرچه این شرکت‌ها در حوزه خصوصی فعال هستند و تابع فعال حقوق بین الملل به حساب نمی آیند ولی می توان آن ها تابع منفعل حقوق بین الملل دانست. در واقع این شرکت‌ها دارای برخی حقوق و تعهدات بین المللی هستند ولی خصیصه حاکمیت و حقوق و تکالیف کشورها یا سازمان های بین المللی را ندارند (صالحی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲).

در خصوص رابطهٔ شرکت مادر با شرکت‌های تابعه و فرعی دو نظریه وجود دارد؛ یکی نظریه «وجود مستقل» و دیگری «وجود واحد». اصل وجود مستقل در دل خود دربردارندهٔ دو قاعدهٔ مهم حقوق شرکت‌ها است. این دو قاعده عبارتند از: شخصیت حقوقی مستقل شرکت از سهامداران و شرکا و مسئولیت محدود شرکا در برابر ضرر و زیان و بدهی های شرکت. این اصل مزایای زیادی را به همراه دارد. وجود شخصیت حقوقی مستقل از شرکا برای شرکت از نظر اقتصادی بسیار کارآمد است و باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی می شود، زیرا لازم نیست با انتقال سهام، مالکیت اموال شرکت به سهامداران جدید منتقل شود. همچنین شخصیت حقوقی شرکت این امکان را برای شرکت فراهم می‌کند که تقاضای تسهیلات مالی و تضمین بدهی های خود را داشته باشد. مسئولیت محدود نیز ضمن اطمینان به سهامداران در خصوص مصون ماندن اموال و دارایی شخصی از توقیف طلبکاران، این امکان را برای مدیران فراهم می‌سازد که به صورت آزادانه و با اختیار عمل بیشتر در جهت منافع شرکت و سهامداران عمل کنند و ضرورتی نداشته باشد تا سهامداران بر جریان ادارهٔ شرکت به طور مستمر نظارت کنند. بدیهی است انتقال سهام در پرتو این اصل به راحتی میسر است و به دلیل محدود بودن مسئولیت، سهامداران از سرمایه گذاری در فعالیت‌های پرریسک ابایی ندارند و این تنوع سرمایه گذاری به پویایی و تحرک اقتصاد کشور می انجامد.

در مقابلِ اصل وجود مستقل، اصل وجود واحد قرار دارد که بر اساس آن، شرکت مادر و تابعه را فارغ از شخصیت حقوقی مستقل آنها به صورت یک مجموعه و کل واحد درنظر می‌گیرد. در واقع، گاهی واقعیت های اقتصادی اقتضا دارد که بین اجزای مستقل گروه شرکت‌ها ارتباط برقرار گردد و با آن به مثابهٔ یک مجموعهٔ واحد رفتار شود. در این نظریه، چون می توان مسئولیت را بر شرکت مادری که در هرحال به فعالیت‌های شرکت فرعی نظارت و کنترل مستمر دارد تحمیل نمود، هزینه های نظارتی نیز به تبع آن افزایش می‌یابد، یا چون در اغلب موارد شرکت‌های مادر و تابعه، فعالیت اقتصادی مشابهی را در یک حوزهٔ خاص انجام می‌دهند، در نتیجه موضوع فعالیت این گروه شرکت‌ها به صورت پیشین و بدون تغیر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

باقی می ماند و سرمایه‌گذاری جدید در سایر حوزه ها انجام نمی شود. این امر می‌تواند مانعی برای تحرک و پویایی بازار باشد (کاویانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴). لذا خصوصا زمانی که بحث تحمیل مسئولیت بر شرکت مادر مطرح باشد، چون اصل وجود مستقل دارای پایه های مستحکم تری در حقوق کشورها است، همواره شرکت مادر پاسخگوی زیان های ناشی از فعالیت شرکت‌های تابعه نیست. اما در پاره ای شرایط استثنایی که بیم سوءاستفاده از قالب شرکت می رود، از این قاعده عدول شده، با تمسک به نظریه های مختلف سعی می‌شود تا شرکت مادر پاسخگوی اقدامات زیانبار شرکت تابعه قرار گیرد.

٤. مسئولیت شرکت‌های مادر تخصصی

به طور کلی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ بنا به ماموریت خود یک هیات فرعی بین الدولی به نام «کمیسیون شرکت‌های فراملی» با هدف کمک به درک بهتر ماهیت شرکت‌های فراملی و تاثیرات سیاسی، حقوقی و اقتصادی بر کشورهای مادر و میزبان تاسیس کرد. از جمله اقدامات اولیه آن تدوین و تنظیم مجموعه قواعد رفتاری شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی، که موضوعات آن عبارت بودند از نفوذ این شرکت‌ها در سایر کشورها؛ مسئولیت کشور در قبال رعایت حاکمیت قوانین و مقررات و حاکمیت کشوری که شرکت‌ها در آن به فعالیت می پردازند؛ خودداری از مداخله در امور داخلی کشور میزبان؛ ارتشاء و تاثیرگذاری و نفوذ بر مقامات رسمی دولتی کشور میزبان، از جمله اهداف دیگر این کمیسیون، اتخاذ یک سری قواعد رفتاری در خصوص جنبه منفی معاملات بین المللی شرکت‌های چند ملیتی بود.

اتحادیه اروپا از دهه ۱۹۷۰ به مسئولیت شرکت‌ها علاقه مند بوده است. تا آنکه در ژانویه ۱۹۹۹ پارلمان اروپا طی قطعنامه ای، قانون حس رفتار شرکت‌های اروپایی در کشورهای در حال توسعه را تدوین کرد (لطفی، ۱۳۹۰).

کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مورد فساد ۱۹۹۹ و نیز کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳، که این کنوانسیون در ۲۱ خرداد ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد، در زمره معدود اسناد بین المللی هستند که تعهداتی را بر شرکت‌های چند ملیتی تحمیل می‌کنند.

با گستردگی فعالیت‌ها در زمینه حمایت و حفاظت از حقوق بشر و محیط زیست و افزایش جنبش‌ها و سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان عفو بین الملل، افکار عمومی دیگر پذیرای تخطیات شرکت‌های چند ملیتی و مادر تخصصی نیست و تا اندازه ای بر فعالیت آن ها تاثیر گذارده تا آنجا که خود شرکت‌های چند ملیتی نیز پذیرفته و محتاط تر برخورد می کنند (لطفی، ۱۳۹۰).

پیمان نفتا به موجب شرط ویژه ای پیش بین می نماید که شهروندان در موارد نقض قوانین حمایت از محیط زیست یا قانون کار علیه شرکت‌های فعال در زمینه تحت پوشش قرارداد، شکایت کنند. اصل پذیرش

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شخص حقوقی، مسئولیت آن را نیز به دنبال دارد. زیرا از تجلیات و نتایج شخصیت حقوقی، مسئولیت آن است (قربان نیا، ۱۳۷۷).

عدالت حقوقی اقتضا دارد همان گونه که اشخاص حقیقی در صحنه های اجتماعی و اقتصادی اگر خسارت و زیانی وارد آورند، یا قانونی را نقض و مرتکب جرمی شدند، باید متحمل مجازات یا پرداخت غرامت شوند، در مورد اشخاص حقوقی نیز چنین باشد، مساله این است که چون اقدامات و اعمال و تصمیمات شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی نماینده شخص حقوقی صورت می گیرد، دامنه مسئولیت اشخاص حقوقی تا کجاست؟ در تمام معاهداتی که در رابطه با مساله مسئولیت شرکت است قانونگذار در زمینه مسئولیت مدنی و کیفری شرکت به عهده دولت ها گذاشته شده است. به رغم فقدان راهکار اجرایی در سطح بین المللی گرایی در حقوق بین الملل وجود دارد مبنی بر اینکه اشخاص بین المللی غیردولتی ناقض تعهدات ناشی از حقوق بین الملل و حقوق بین الملل بشردوستانه، در واقع مسئول جبران خسارت می باشد. هرچند در نظر اول تصور اینکه چگونه یک شرکت که موجودی انتزاعی و غیرفیزیکی است، می‌تواند به طور مستقیم با فعل خود مرتکب نقض حقوق بین الملل بشردوستانه شود، دشوار است (صالحی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲).

شرکت‌های مادر بر اساس خسارت وارده به اشخاص ثالث، حسب امر دارای مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری هستند که در ادامه به آن ها پرداخته می شود.

الف) مسئولیت مدنی شرکت‌های مادر تخصصی

مطالعه و بررسی تحمیل مسئولیت به شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه در حقوق فرانسه و بلژیک جالب توجه است، زیرا قواعد راجع به «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» که با کنار گذاشتن مسئولیت محدود شرکا در صدد مسئول شناختن آنها و حتی مدیران شرکت است، در این دو نظام حقوقی جز در موارد خاصی که قانونگذار مجاز دانسته است، مانند ورشکستگی، به درستی تدوین نشده است. ازهمین رو، برای مسئول شناختن شرکا و حتی شرکت مادر به توافقات قراردادی و غیرقراردادی و به طور خاص مسئولیت مدنی توسل می شود. آسان گیری خاصی که قواعد مسئولیت مدنی این دو نظام روا داشته، مزید بر علت شده است تا از مبانی این قواعد برای مسئول شناختن شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه بهره گرفته شود. در حقوق فرانسه و بلژیک قاعدهٔ کلی آن است که هر شخص حقوقی مستقل است؛ حتی در مواردی که آن اشخا، عضو یک گروه باشند. شرکت سرمایهٔ مخصوص به خود دارد و سهامداران تنها به میزان آورده مسئولیت دارند .باوجود این، چنانچه اعمال این قاعده به تحقق نتایج غیرقابل قبول از نظر اجتماعی منجر گردد، این قاعده کنار گذارده شده، به اجرا در نمی آید. درهیچ یک از دو نظام حقوقی، قواعد مشخصی در خصوص گروه شرکت‌ها و یا خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت وجود ندارد؛ هرچند بارها تلاش هایی برای تصویب چنین قانونی در فرانسه صورت گرفته است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بنابراین قواعد عام حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی برای مسئول قلمداد کردن سهامداران شرکت به کار گرفته می شود (رضایی، ۱۳۹۶).

در وجه افتراق دو معنای مسئولیت مدنی، که همانا مسئولیت قراردادی است، چنانچه یک شرکت چند ملیتی، هر نوع تعهدات قراردای خود را نقض کند، مسئول جبران خسارت ناشی از آن خواهد بود. اما آیا شرکت مادر مسئول اجرای تعهدات قراردادی شرکت تابعه یا فرعی خود می باشد؟ به نظر می رسد از آنجا که شرکت‌های تابعه یا فرعی واجد شخصیت حقوقی مستقل از شرکت مادر هستند، به تنهایی مسئول اجرای تعهدات قراردادی خود می‌باشند، و در صورت عدم اجرا و نقض تعهدات قراردادی، چنانچه شرکت تابعه نتواند از عهده جبران خسارت ناشی از نقض مزبور برآید، شرکت مادر تخصصی ضامن خواهد بود. شاید بتوان گفت شرکت مادر به ویژه در رابطه با مسئولیت شرکت تابعه نسبت به محیط و محصولات خود در مقابل طلبکاران مسئولیت مستقیم دارد (**Prokopieva, 2004**).

در خصوص معنای اخص مسئولیت مدنی باید گفت شرکت چند ملیتی مسئول جبران خسارت ناشی از افعال کارکنان، سهامداران و شرکت‌های زیرمجموعه خود می‌باشد. نه تنها از آن جهت که شخص حقوقی می‌تواند طرف تعهد واقع ود و دارای مسئولیت مدنی است؛ بلکه با وجود آنکه معمولاً شرکت‌های مادر برای فرار از مسئولیت های حقوقی و مالی مبادرت به تاسیس شرکت‌های تابعه و اقماری با شخصیت حقوقی مستقل می نمایند، چون شرکت‌های تابعه معمولاً منابع مالی کافی ندارند و یا زود منحل می‌شوند، حکم به مسئولیت شرکت مادر داده می‌شود. البته در این راستا لازم است ارکان مسئولیت مدنی اعم از وجود ضرر مسلم و جبران نشده، ارتکاب فعل زیان آور و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر ایجاد شده، جمع گردد (تیموری، ۱۳۸۵).

در هم تنیده بودن مدیریت شرکت‌های تابعه و شرکت‌های مادر و قرار گرفتن شرکت تابعه در سلسله مراتب اداری و مدیریتی هرم تشکیلات، لزوم مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه را یادآور می‌شود. علاوه بر این معمولا شرکت تابعه از امکانات و توانایی مالی کمتری برای جبران خسارت وارده به اشخاص ثالث برخوردار است در حالی که در بسیاری موارد اشخاص ثالث با درنظر گرفتن اعتبار کل مجموعه وارد معامله با شرکت تابعه می‌شوند و لذا این انتظار وجود دارد که همان گونه که در زمان عملیات و کسب سود، شرکت مادر به عنوان متولی شرکت تابعه اقدام به هدایت عملیات و جهت دهی به آن می نماید. در زمان زیان و یا ورشکستگی نیز مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد و خود را پشت اصل مسئولیت محدود پنهان نکند (صالحی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲).

بدیهی است چنانچه شرکت تابعه مرتکب تقصیر شود، اثبات ارتکاب تقصیر از سوی شرکت مادر کار آسانی نیست. می‌توان بر این عقیده بود که شرکت مادر وظیفهٔ مراقبت را برای خودش به بازترین شکل مقرر داشته و در نتیجه پذیرش مسئولیت آن در قبال اقدام زیان بار شرکت وابسته آسانتر است. صرف نظر از این موضوع، این استدلال نیز قابل ارائه است که خودداری شرکت مادر از مداخله و نظارت بر اقدامات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شرکت تابعه خود تقصیر به شمار می رود. برای مثال در مواردی که شرکت مادر از اقدامات غیرقابل قبول شرکت تابعه اطلاع دارد و اقدامی در جهت جلوگیری و یا اصلاح و تعدیل آن انجام نمی‌دهد، طبیعی است در چنین مواردی قاضی می‌تواند حکم به مسئولیت آن بدهد. برخی پیشتر رفته و بر این عقیده اند که حتی چنانچه شرکت مادر از اقدام غیرمعقول و منطقی شرکت وابسته اطلاعی نداشته باشد، باز هم مسئول اقدامات زیانبار آن شرکت است؛ زیرا شرکت مادر به اندازهٔ کافی به شرکت وابسته نزدیک بوده است تا آن را از انجام آن اقدام غیرقانونی زیانبار باز دارد. از این موارد در گروه شرکت‌ها با عنوان «مسئولیت مدیر غیررسمی» یاد می‌شود. به تعبیر دیگر شرکت مادر مدیریت شرکت وابسته را پذیرفته و درنتیجه مسئول خواهد بود، زیرا در مدیریت خود دچار تقصیر شده است. در این موارد، در هنگام تصمیم گیری برای احراز عنصر تقصیر، قاضی رویهٔ اتخاذ شده از سوی مدیر را بررسی و ملاحظه می‌کند. خسارت هم ضرر مادی یا غیرمادی وارده است که اثبات آن کار چندان دشواری نیست. همچنین خواهان باید رابطهٔ سببیت بین تقصیر و خسارت را اثبات نماید (رضایی، ۱۳۹۶).

ب) مسئولیت کیفری شرکت‌های مادر تخصصی

یکی از مسائل بحث برانگیز در حقوق جزای کشورها مساله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. فقدان دکترین واحد و راهگشا در این زمینه موجب شده است که قوانین کشورها و تبع آن دادگاه ها، رویه های متفاوت و گاه متضادی در برخورد با این مساله اتخاذ نمایند. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این رابطه بیان می دارد: «در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». ارتکاب جرایم اشخاص حقوقی باید محدود به موارد مجرمانه ای شود که با ماهیت و موضوع شخص حقوقی سازگاری دارد. اگر موضوع شخص حقوقی امور بازرگانی و تجارت باشد جرایم علیه اموال و مالکیت با طبیعت آن سازگار است. به نظر می رسد زمانی باید شخص حقوقی مسئول شناخته شود که عمل شخص حقیقی برای وی سود بالقوه یا بالفعل دربرداشته باشد (نبی پور، ۱۳۸۹). در تصمیمات قضایی به مسئولیت شرکت مادر در قبال خسارت محیطی که به وسیله شرکت‌های تابعه خارجی وارد آمده، حکم می‌گردد. به ویژه آنجا که شرکت مادر کنترل شدیدی بر شرکت‌های تابعه خود دارد. با پذیرش مسئولیت کیفری انواع مجازات های ویژه اشخاص حقوقی، از قبیل انحلال، تعطیلی موقت، ضبط دارایی، مصادره اموال، جزای نقدی و. . . (قربان نیا، ۱۳۷۷)؛ حسب مورد برای شرکت مادر تخصصی نیز قابل اعمال خواهد بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۵. آثار مسئولیت شرکت‌های مادر تخصصی

در خصوص آثار مسئولیت و اینکه در چه مواردی باید استقلال شرکت مادر از شرکت تابعه به رسمیت شناخته شود یا از آن عدول گردد، در دو فرم باید قائل به تفکیک شد. فرم نخست آنکه موضود اختلاف، تحمیل مسئولیت ناشی از عملکرد شرکت فرعی بر شرکت مادر باشد؛ اعم از اینکه این مسئولیت در چارچوب ورشکستگی اتفاق بیفتد یا در جریان عادی امور تجاری (ناشی از قرارداد یا ضمان قهری). در این حالت، اصل بر آن است که شرکت تابعه کاملا مستقل از شرکت مادر بوده، درنتیجه این دو شرکت دارای وجود مستقل از هم هستند. در این حالت، نسبت به اجرای اصل وجود واحد و چش پوشی از نظریهٔ مسئولیت محدود تمایلی وجود ندارد؛ مگر آنکه یکی از اسباب و جهات مسئولیت که پیشتر راجع به آن صحبت شد، وجود داشته باشد. در فرم دوم، بحث مسئولیت به هیچ وجه مطرح نیست. گاهی اوقات ساختار خاص و پیچیدهٔ گروه شرکت‌ها در زمینه های مختلف حقوقی مشکلات و ابهاماتی ایجاد می کند. برای مثال در تنظیم صورتحساب و تراز سالیانه و یا مباح مربوط به مالیات و حقوق کار و نیز تفسیر اساسنامه و قصد واقعی اشخاص در تنظیم قراردادها، می توان شرکت مادر و تابعه را به مثابهٔ یک کل واحد درنظر گرفت و اصل وجود واحد را اعمال نمود. در بیشتر موارد هم شرکت مادر و هم شرکت‌های فرعی موظف اند گزارش سالیانهٔ واحدی را به عموم عرضه کنند و یا در خصوص مالیات، هرچند مالیات هر شرکت اصولاً به صورت مستقل ارزیابی می شود، اما چون ممکن است شرکت مادر با تخصیص منافع عمده به شرکت فرعی ای که در کشوری با نرخ مالیاتی کم قرار دارد، نتایج مالیاتی را دستکاری کند و یا گاه به فرار مالیاتی منجر شود، مقامات کشورها برای حفظ درآمدهای مالیاتی ترجیح می دهند به هنگام دریافت مالیات، شرکت مادر و تابعه را به عنوان یک مؤدی واحد درنظر گیرند. لذا در این فرد برخلاف فرد نخست، رعایت احتیاط لازم نیست و چه بسا برای حل این معضل، نیاز است این دو شرکت به مثابهٔ شخص واحد درنظر گرفته شوند (کاویانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی از مطالب بیان شده باید گفت، شرکت‌های فراملی و به تبع آن شرکت‌های مادر تخصصی، متضمن نهادهایی در دو یا چند کشوراند، که صرف نظر از فرم حقوقی و زمینه‌هایی که در آن به فعالیت مشغول‌اند، سیاست‌های منسجمی را از طریق یک یا چند مرکز تصمیم‌گیری اجرا می‌کنند و در این تشکیلات نهادهای مذکور پیوندهای مشترکی مانند مالکیت دارند. این شرکت‌ها مالکیت، کنترل، نظارت و هدایت تولید را در بسیاری از کشورها در دست دارند و امروز بیش از ۲۵ درصد از تولید جهانی در اختیار آن‌هاست. امروزه طی نظریات مختلف، عده‌ای از حقوق‌دانان در تلاش‌اند که این شرکت‌ها را هم‌پایه دولت‌ها، واجد شخصیت حقوقی و واضع حقوق بدانند. این نظریه تا حدودی مورد تأیید قرار است و بسیاری باور دارند دیدگاه کلاسیکی که از حقوق بین‌الملل مطرح می‌شد، دستخوش تغییر بوده و این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شرکت‌ها از جایگاه مهمی در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل برخوردار شده و موفق به درهم ریختن تشکیلات سنتی و قدیمی حقوقی به ارث رسیده از حقوق بین‌الملل کلاسیک شده‌اند. آنچه به این دیدگاه دامن می‌زند نظریه کثرت در حقوق بین‌الملل و بحث نظام‌های حقوق خودبسنده است. این مسئله که آیا شرکت‌های فراملی و مادر را مانند دولت‌ها دارای شخصیت حقوقی می‌دانیم و آن‌ها را جزء تابعان نوین حقوق بین‌الملل می‌شماریم یا خیر، اثر بسیار مهمی در تبیین قدرت قانون‌گذاری آن‌ها دارد. در دنیای کنونی حقوق بین‌الملل با نوعی تورم در هنجارها، رژیم‌های حقوقی، نهادها و حتی تابعانش روبرو است. با وجود انتقادهای فراوانی که بر مسئله کثرت در حقوق بین‌الملل شده این موضوع غیرقابل اجتناب است، چرا که با توسعه حقوق بین‌الملل و افزایش موضوعات تخصصی آن و لزوم پرداخت دقیق و تخصصی به آن‌ها، هر چه که تخصصی شدن بیشتر اهمیت می‌یابد از وحدت حقوق بین‌الملل فاصله می‌گیریم. در اثبات این موضوع که چرا و چگونه شرکت‌های فراملی و مادر تخصصی را باید در اعداد تابعان نوین حقوق بین‌الملل شمرد، بحث از نظام‌های حقوقی خودبسنده به میان می‌آید. این نظام‌ها با اثبات کثرت در حقوق بین‌الملل و لزوم تخصصی شدن حوزه‌های مختلف آن، راه را برای تبدیل این شرکت‌ها به تابعان حقوق بین‌الملل فراهم کرده‌اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ تیموری، محمد. (۱۳۸۵). ماهیت شخصیت حقوقی و نظریات مرتبط با آن. دانش پژوهان، ۹، ۴۲-۳۰.

ـ رحمان سرشت، حسین. و فتح الهی، افشین. (۱۳۹۰). الگویی برای انتخاب شیوه مادری شرکت‌های تابعه توسط شرکت مادر از دیدگاه مبتنی بر منابع. نشریه مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۳(۸)، ۱۰۰-۸۱.

ـ رضایی، علی. (۱۳۹۶). مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه. مطالعات حقوق تطبیقی، ۸(۱)، ۱۷۷-۱۵۱.

ـ سبحان الهی، محمدعلی. رحمان سرشت، حسین. اصلی بیگی، فرزانه. (۱۳۹۱). الگوی تعامل استراتژیک در شرکت‌های هلدینگ. مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۲، ۱۵-۴۲.

ـ سویزی، پل. مک داف هری، هایمر استفن، روتورن باب. (۱۳۸۰). شرکت‌های چند ملیتی. ترجمه بهداد سهراب. تهران: موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

ـ صالحی، محمد. و ذاکری نیا، حانیه. (۱۳۹۲). شخصیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی و آثار آن، فصلنامه حقوق تطبیقی، ۹(۱)، ۱۴۵-۱۶۰.

ـ قربان نیا، ناصر. (۱۳۷۷). شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی. نامه مفید، ۱۴، ۷۹-۶۶.

ـ کاویانی، کوروش. و قاسمی مقدم، سعیده. (۱۳۹۴). مسئولیت شرکت مادر در برابر بدهی شرکت‌های فرعی ورشکسته. پژوهش های حقوق خصوصی، ۳(۵)، ۲۷-۵۰.

ـ میرزاخانی، رضا. (۱۳۹۴). بررسی فقهی اوراق مرابحه مبتنی بر سهام برای تامین مالی شرکت‌های هلدینگ. گزارش مرکز پژوهش. توسعه و مطالعات اسلامی. سازمان بورس و اوراق بهادار.

ـ نبی پور، محمد. (۱۳۸۹). شرایط مسئولیت کیفری در لایحه مجازات اسلامی. تعالی حقوق، ۲(۷)، ۱۲۷-۱۴۴.

__ Demeyere, S. (2015). Liability of a Mother Company for Its Subsidiary in French, Belgian, and English Law, European Review of Private Law, 3, 385-414.

__ Prokopieva, V. (2004). Parent Company Liability in Case of Subsidiary Insolvency -Time to Rethink Liability of Corporate Shareholders?, Supervisor: Prof. Dr. iur. Peter Behrens, College of Europe, Bruges Campus, Law Department, for the Degree of Master of European Studies, European Company Law Academic.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]